

بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)

دکتر جعفر هزار جریبی *

رضا صفری شالی **

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۱۷

چکیده:

این پژوهش به بررسی یکی از مهمترین موضوعات مطرح جامعه با عنوان احساس شادکامی اجتماعی می‌پردازد زیرا اساس شادکامی بر نگرش و ادراکات فرد مبتنی است و به حالتی اشارت دارد که از تجربه هیجان‌های مثبت و خوشنودی از زندگی نشأت می‌گیرد. به لحاظ نوع روش تحقیق، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی Jafar_hazar@yahoo.com

** پژوهشگر علوم اجتماعی و مدرس جهاد دانشگاهی reza_safaryshali@yahoo.com

مقاله حاضر حاصل پژوهشی با همین عنوان به سفارش معاونت آموزش و پژوهش استانداری مرکزی در سال ۱۳۸۷ می‌باشد که توسط نویسندگان انجام گرفته است

که در آن برای رسیدن به اهداف تحقیق از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شد. بدین صورت که در بخش نظری از کتابها، مجلات و تحقیقات پیشین استفاده شد و در بخش میدانی برای سنجش میزان شادکامی و عوامل تأثیرگذار بر آن از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در نواحی شهری و روستایی استان مرکزی است و حجم نمونه آن ۲۰۰۰ نفر است. نتایج حاصل از ترکیب گویه‌ها درباره احساس شادکامی اجتماعی در بین پاسخگویان نشان می‌دهد که احساس شادکامی در بین ۱۸/۵ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم می‌باشد و در مقابل ۱۹/۵ درصد پاسخگویان از احساس شادکامی بالایی برخوردار هستند و ۶۲ درصد هم احساس شادکامی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. اما عوامل تبیین‌کننده شادکامی اجتماعی بر طبق مدل تحلیل مسیر، نشان می‌دهد که در ابتدا متغیر امید به آینده وارد معادله شده است، این متغیر دارای ضریب رگرسیونی ۰/۳۲ بر متغیر شادکامی اجتماعی می‌باشد و به عنوان مهمترین متغیر تأثیرگذار بر شادکامی اجتماعی می‌باشد. متغیرهای بعدی به ترتیب عبارتند از: احساس مقبولیت اجتماعی (با ضریب ۰/۲۸)، ارضای نیازهای عاطفی (با ضریب ۰/۲۶)، بالا رفتن سن افراد (با ضریب ۰/۰۸-)، احساس عدالت توزیعی (با ضریب ۰/۰۷)، فضای مناسب اخلاق عمومی (با ضریب ۰/۰۶)، عدم احساس محرومیت (با ضریب ۰/۰۵)، احساس امنیت (با ضریب ۰/۰۵) و پابندی به ارزشهای دینی (با ضریب ۰/۱۱)". در مجموع، متغیرهای مذکور توانسته‌اند ۰/۵۵ درصد از تغییرات یا وایانس متغیر شادکامی اجتماعی را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: شادکامی، امید به آینده، ارضاء نیازها و احساس محرومیت

مقدمه

در ابتدا بایستی یادآور شد که از سال ۲۰۰۰ به بعد در نگاه سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها متغیرهای شادکامی^۱، امید به آینده، خشنودی و رضامندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است، به این صورت که

اگر مردم یک جامعه احساس شادکامی، خشنودی و رضامندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه یافته (به ویژه در حوزه توسعه اجتماعی) قلمداد نمود.

شادکامی یکی از شاخص‌های مهم بهداشت روانی در جامعه است. شادکامی به همراه نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده سرمنشأ تحرک، تلاش و پویایی است. در این راستا در گام اول این حقیقت را باید پذیرفت که افرادی که شاد هستند، به تدریج شادتر و آنها که غمگین هستند، مدام غمگین‌تر می‌شوند. وجود و بروز عواطف منفی می‌تواند عوارض نامناسبی روی کارکرد ارگانسیم بدن به جا گذارد و سلامت جسمی فرد را به خطر اندازد، مشکلات روانی و جسمی رضایت از زندگی را به مخاطره می‌اندازند، تا جایی که ممکن است انسان گاهی وجود خود را عبث پندارد.

پدیده شادکامی موجب تحرک فیزیکی، شناختی، رفتاری و افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متعددی می‌شود، به عنوان نمونه انسان را با کار و فعالیت درگیر می‌سازد و اشتیاق به جنب و جوش و هدف‌گرایی را تقویت می‌کند که این امر خود باعث افزایش شادکامی بیشتر (باز تولید شادکامی) شده و از لذت‌گرایی‌های بیهوده جلوگیری می‌نماید. (خوش کنش، ۱۳۸۶)

دوم آن که، افراد دارای شادکامی به لحاظ ساخت‌های روانی تمایل پیدا می‌کنند شادکامی خود را با سایرین تقسیم کنند و همین امر کمک به برقراری روابط اجتماعی ثمربخش می‌نماید. در این مورد می‌توان به موضوع ازدواج اشاره نمود که گرایش به ازدواج در شرایطی بیشتر می‌شود که فرد احساس شادکامی را در وجودش جریان دهد و امر مهم‌تر این که نشاط به عنوان محرکی شایسته برای ایجاد ثبات هیجانی به شمار می‌رود و درآمدهای عاطفی و احساسی مناسبی را پایه‌ریزی می‌کند که به پایداری ازدواج و خانواده استمرار می‌بخشد.

سوم، استقامت در برابر سختی‌ها سبب افزایش سطح انرژی شده و بازده این انرژی، دارای ارتباطی تولیدی با شادکامی می‌شود، یعنی سختی‌های رسیدن به اهدافی همچون ادامه تحصیل و یادگیری حرفه‌ها با سازه‌ای به نام امید که از فراورده‌های

شادکامی است پیوند می‌خورد و فعالیت با نشاط ظاهر می‌شود. همچنین موفقیت در این امور نیرویی ایجاد می‌کند که سبب بروز عزت نفس و استقلال شخصیتی می‌شود.

برقراری مرادات شخصیتی و اجتماعی و تشکیل دوستی‌های مفید قطعاً در شرایطی تحقق می‌یابد که فراغ خاطر، خوشحالی، خوش‌بینی، و امنیت روانی وجود داشته باشد. در غیر این صورت، توجه به محیط و انتخاب محرک‌های آن بی‌اهمیت می‌شود و فرد در لاک خویش فرو می‌رود و اوقات بسیاری را از دست می‌دهد و شاید یکی از دلایل عمده از دست رفتن مدیریت زمان و هدر دادن وقت، پدیده بی‌نشاطی باشد.

مفهوم شادکامی در طول سالهای اخیر مورد علاقه روانشناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان بهداشت قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرن بیستم بیشتر بر عوامل منفی (مثل آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی) و هیجانات منفی مانند: افسردگی و اضطراب تمرکز یافته است تا بر هیجانات مثبتی مانند: شادی و شادکامی اجتماعی اقشار مختلف جامعه. به عبارتی دیگر، تعریف و منظور سلامت فردی و اجتماعی مترادف با فقدان مشکلات در جامعه و بیماری‌های روانی و اجتماعی بوده است؛ در حالی که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در تعریف سلامت تغییر و تحول بسیاری پدید آمده است و متون مرتبط با روان‌شناسی سلامت و جامعه‌شناسی تنها به جنبه‌های منفی و رفع آثار منفی در افراد انسانی و جامعه محدود نمی‌شود، همان‌طور که در تعریف سازمان بهداشت جهانی به سلامت از جنبه مثبت آن تأکید شده است و فردی واجد سلامت شناخته می‌شود که به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشد (بوم^۱ و همکاران، ۲۰۰۱). ویژگی مهم روانی که فرد واجد سلامت می‌بایست از آن برخوردار باشد، احساس شادکامی و احساس رضامندی عمومی از زندگی که شامل خود و دیگران در حوزه‌های مختلف خانواده، شغل و .. است (مایرز و دینر^۲، ۱۹۹۵).

1. Boom
2. Myers & Diener

در مجموع می‌توان گفت که عوامل مهمی مانند: صفات شخصیتی، مؤلفه‌های شناختی، گرایش‌های اعتقادی و محیطی (تربیتی، جمعیتی)، زمینه‌ساز شادکامی به شمار می‌روند. بررسی‌های بسیاری همبستگی ویژگی‌های وراثتی، صفات شخصیتی، شناختی و مذهبی با شادکامی را گزارش کرده‌اند. بدین ترتیب در تحقیق حاضر به بررسی متغیرهای یاد شده با شادکامی اجتماعی پرداخته می‌شود.

۲- بیان مسأله

براساس نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه خوشبختی و شادکامی، از نظر ۵۰ درصد مردم «احساس شادکامی» مهمترین مسئله زندگی به شمار می‌رود. (فوردیس^۱، ۲۰۰۰: ۲۷ و آرجیل^۲، ۲۰۰۱: ۴۷-۴۶ و هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۷: ۵۱)

شادکامی یکی از خلیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می‌کند. شادکامی عبارت از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است، این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد. عواملی که شادکامی را به وجود می‌آورند عبارتند از: احساس رضایتمندی از زندگی و فقدان عواطف منفی همچون افسردگی و لذت بردن از وقایع می‌باشد که از علل تأثیرگذار در برقراری اصول بهداشت روانی و خوشبختی است و بر فضای شناختی و رشد آن اثر می‌گذارد. شادکامی یکی از ابعاد اصلی تجربه بوده و معمولاً در پی ایجاد پاسخ‌های مطلوب است که کارکرد مناسبی به جای می‌گذارند (سلیگمن^۳ ۲۰۰۲ به نقل از خوش کنش، ۱۳۸۶: ۱۵).

1. Foordis
2. Argyle
3. Seligman

احساس شادکامی در زندگی اگر چه تا حد زیادی بستگی به شرایط فردی دارد، اما تأثیر عوامل اجتماعی در افزایش و یا کاهش آن بسیار مؤثر است. جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. شادکامی در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی، و در واقع خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند، می‌باشد. شادکامی در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد، همه در یک دسته فرهنگی قرار دارند و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی هستند. سطح پایین شادکامی اجتماعی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده این شرایط، وضعیتی است که جامعه از جهت تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن برای فرد در پی می‌آورد. احساس امنیت ناشی از ارضاء نیازها و تحقق اهداف، از جمله عوامل اساسی است که شادکامی در زندگی را در بین افراد جامعه گسترش می‌دهد.

در این راستا باید خاطر نشان ساخت همان‌طور که "ازکمپ" تأکید می‌کند: این دست مطالعات از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری‌های دولتی است (ازکمپ، ۱۳۷۳: ۶۶). در جوامع پیشرفته صنعتی که دولت از جمله اهداف خود را ارتقاء کیفیت زندگی مردم و فراهم آوردن زمینه‌های بهروزی مردم می‌خواند، چنین تحقیقاتی لازمه ارزیابی دولت از عملکرد خود و وقوف بر عوامل نارضایتی مردم و تلاش برای زدودن یا کاهش آنهاست. از همین رو از اواسط دهه ۱۹۶۰ که بررسی کیفیت زندگی مردم و سنجش میزان احساس خوشبختی و شادکامی مردم در این جوامع پا گرفته است، دولت‌ها قویاً از انجام مرتب این سنجش‌ها چه به صورت مقطعی و چه به صورت طولی و سالانه حمایت کرده، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی خود به یافته‌ها و نتایج آن تحقیقات تمسک می‌جویند.

اما سئوالات پژوهش حاضر این است که واقعاً شادکامی اجتماعی چیست؟ و چه تعدادی از مردم استان مرکزی احساس شادکامی می‌کنند؟ چه جنبه‌هایی از زندگی، منبع بیشترین شادکامی برای مردم و چه جنبه‌هایی موجب ناامیدی و کسلی آنهاست؟ بدین ترتیب مقاله حاضر درآمدی است بر بررسی میزان شادکامی اجتماعی و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن.

۳- اهداف طرح

پژوهش حاضر دارای دو هدف پژوهشی و کاربردی می‌باشد که عبارتند از:

الف- اهداف پژوهشی

از آنجا که انجام هر تحقیقی در پی دستیابی به یک سری اهداف و کشف مجهولات و نادانسته‌ها در مورد موضوعی خاص می‌باشد، در این تحقیق مسأله و موضوع اصلی سنجش میزان شادکامی در شهرهای استان مرکزی و راهکارهای عملی تقویت آن می‌باشد. از این رو با توجه به این هدف کلی، اهداف جزئی زیر مد نظر می‌باشد.

- ۱- بررسی و مقایسه میزان احساس شادکامی در بین شهرستان‌های استان
- ۲- بررسی میزان امید به آینده، احساس محرومیت نسبی، احساس بیگانگی (آنومی) اجتماعی، احساس مقبولیت، احساس امنیت اجتماعی، پابندی به معتقدات دینی، احساس عدالت اجتماعی و ارضاء نیازهای عاطفی (به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آنها با شادکامی (بعنوان متغیر وابسته تحقیق)

ب: اهداف کاربردی طرح

تحقیق حاضر به یکی از مهمترین موضوعات اجتماعی یعنی احساس شادکامی اجتماعی می‌پردازد. از این رو شناخت میزان احساس شادکامی و عوامل تأثیرگذار بر آن به عنوان یکی از پارامترهای نرم‌افزاری توسعه می‌باشد و در این راستا باید خاطر نشان

ساخت که اگر منابع مادی فراوانی در جامعه باشد ولی مردم جامعه احساس شادکامی نداشته باشند، نوعی انفعال‌گرایی در مردم به وجود می‌آید که این امر خود ضد توسعه می‌باشد. پس تحقیق حاضر می‌تواند مورد استفاده مسئولین فرهنگی، مثل اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان ملی جوانان و ... قرار گیرد تا بتوان براساس یافته‌های آن تحقیق در جهت برنامه‌ریزی برای داشتن جامعه‌ای با شادکامی بالا و در نهایت توسعه یافته، کمک نمود.

۴- مبانی نظری تحقیق

از آنجا که موضوع شادکامی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است. الزاماً باید هم از نظریه‌های روانشناختی و هم نظریه‌های جامعه‌شناختی و ترکیبی از هر دو (روانشناسی اجتماعی) استفاده کنیم، تا در نهایت بتوانیم متغیرهای سنجش خود را مشخص کنیم، اگر بخواهیم از دیدگاه روانشناختی به موضوع مورد مطالعه بنگریم، باید یادآور شد که انسان برحسب نیاز غریزی علاقمند به زنده ماندن و ادامه حیات دارد و برای زنده ماندن باید نیازهای خود را بر طرف سازد، تا احساس رضایت و شادکامی به او دست دهد. در این زمینه می‌توان به نظریه‌هایی مثل نظریه "سلسله مراتب نیازهای مازلو"^۱، نظریه لذت‌گرایی و... اشاره داشت، اما در حوزه جامعه‌شناختی می‌توان به نظریه‌هایی که به مقایسه اجتماعی و انسجام اجتماعی اشاره دارند (مثل نظریه احساس محرومیت نسبی) پرداخت.

- **نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو:** مازلو به عنوان یک روانشناس معتقد است

که پویایی و بی‌پایانی، تابع قانون مندی خاصی است. وی نیازهای انسانی را نوع مخصوصی از غرایز می‌داند که در حیوانات یافت نمی‌شود. اغلب علمای روانشناسی درباره نیازها سخن گفته‌اند اما نظریات مازلو درباره نیازها و سلسله مراتب نیازها در

انسان از اهمیت خاصی برخوردار است. براساس «نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو» نیازهای انسانی به ۵ دسته به شرح زیر تقسیم می‌شود: ۱- نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی، ۲- نیاز به امنیت و اطمینان، ۳- نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران، ۴- نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام و ۵- نیازهای خودیابی و تحقق خویشتن. بدین ترتیب با ارضای هر یک از نیازها، بر میزان شادکامی افراد افزوده می‌شود.

- **نظریه لذت‌گرایی**^۱: این نظریه براساس نظریه فایده‌گرایی بتتام^۲ ارائه شده است، براساس این نظریه خوشبختی فقط یک احساس است، زندگی شاد، لذت انسان را افزایش داده و غم انسان را کم می‌کند (سیلگمن و رویمن^۳، ۲۰۰۳: ۱).

اما آرچیل (۲۰۰۱) در تعریف خود از شادکامی به بررسی‌های زمینه‌یابی که بر روی نمونه‌های فراوانی انجام شده اشاره می‌کند و معتقد است که شادکامی شامل سه جز است: ۱. حالت خوشحالی یا سرور (هیجان‌ات مثبت) ۲. راضی بودن از زندگی و ۳. فقدان افسردگی و اضطراب (عواطف منفی). در این تعریف مجموعاً عواطف مثبت و منفی را که اموری درونی می‌باشند، در نظر گرفته و در بعد بیرونی نیز به رضایت از زندگی اشاره دارد. تعریف آرچیل فعلاً مورد قبول بیشتر محققین قرار گرفته است.

البته لازم به ذکر است که شادکامی دارای منابعی اساسی است که تحت تأثیر آنها شادی ایجاد می‌شود، یکی از این منابع وجود شبکه‌ای از ارتباطات است. برای شکل‌دهی ارتباط به ویژه از نوع نزدیک، نیاز به سطح بالایی از خود ابرازی است، بدون خودابرازی، مردم تنها خواهند ماند. شبکه اجتماعی که گروه ایجاد می‌کند برای رشد و حفظ هویت، توجه به عامل زمان، شناخت عواطف مثبت و منفی در ارتباطات کلامی، دخالت مکانیزم‌های روانی در شادکامی و تبیین آنها، اندازه‌گیری آثار و بررسی‌های آزمایشگاهی شادکامی، وجود تفاوت‌های جنسیتی و توجه به جایگاه شادکامی در ساختار مغز و نقش

1. Hedonism Theory
2. Bentham's Utilitarianism theory
3. Seligman & Royman

انتقال دهنده‌های عصبی و همچنین ارتباط طول عمر، وراثت، محیط، شخصیت در شادکامی می‌باشد. (خوش کنش، ۱۳۸۶)

- **نظریه خواسته‌ها^۱**: براساس این نظریه شادکامی و خوشبختی به معنای دستیابی به خواسته‌ها است و زمانی که فرد خواسته خود را در قالب «دستیابی به شادی و رهایی از غم» تعریف می‌کند، نظریه خواسته‌ها، نظریه لذت‌گرایی را نیز در بر می‌گیرد (سیلگمن و رویمن، ۲۰۰۳: ۸)

- **نظریه خوشبختی و شادکامی^۲**: براساس این نظریه سه نوع منبع برای خوشبختی و شادکامی وجود دارد که عبارتند از: (۱) لذایذ زندگی (۲) دلبستگی‌های زندگی و (۳) کارهای مفید هدفمند. دو مورد اول سلیقه‌ای هستند و به برداشت شخصی فرد از وقایع و رویدادهای زندگی بستگی دارند، اما مورد سوم به نظر سیلگمن، انجام کارهایی است که به منظور دستیابی به ارزش‌ها صورت می‌گیرند و هدفی فراتر از ارضای تمایلات فردی را دنبال می‌کنند. به نظر وی خوشبختی تلفیقی از سه مورد یاد شده به شمار می‌رود و خوشبختی واقعی زمانی حاصل می‌شود که فرد به این سه منبع خوشبختی دست یافته باشد. (سیلگمن، ۲۰۰۳: ۳)

- **نظریه برابری**: این نظریه به نحو مؤثری مبانی انگیزشی و رفتاری انسان را مورد توجه قرار می‌دهد. واضع نظریه برابری، فردی بنام «جی. اس. آدامز» است. این نظریه یکی از بی‌بدیل‌ترین نظریاتی است که در زمینه رفتار انسانی عنوان شده است. اساس این نظریه مبتنی بر ادراک فرد از شغل خود بوده و چگونگی رفتار او در برابر سازمان را بیان می‌دارد. بنابراین نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن و سوابق کاری را با خود به سازمان (یا محیط زندگی و

1. Desire Theory

2. Authentic Happiness

فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با این خصوصیات، مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنانچه شخص احساس کند که بین این دو دسته عوامل نوعی برابری و همپایگی موجود است، این امر در او آرامش و رضایت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر بشر همیشه در پی آن است که با او به طور منصفانه رفتار شود (مجموعه مقالات مبانی رفتار سازمانی و انگیزش، ۱۳۷۰: ۱۷ به نقل از سلیمانی در چه، ۱۳۷۳). در این نوشتار به جای سازمان، مقوله جامعه و به جای پاداشها و مزایای سازمان، مقوله امکانات و تسهیلات خانواده و جامعه قرار داده شده و از این طریق نظریه برابری مورد آزمایش قرار گرفته است.

بر اساس این نظریه انسان به عنوان موجودی عقلایی و عاطفی در مقابل محرکهای بیرونی، رفتارهای خاصی از خود بروز می‌دهد که در فرایند جامعه می‌تواند تأثیرگذار باشد. رفتار فرد تحت تأثیر برخی عوامل بیرونی^۱ و بعضی عوامل درونی^۲ شکل می‌گیرد. عوامل بیرونی عواملی هستند که از خارج بر فرد اثراتی می‌گذارند مانند: محیط اجتماعی و رفتار سایر افراد در یک سازمان و ... و عوامل درونی عواملی هستند که از درون فرد منشأ می‌گیرند و شامل ادراک و برداشت‌های فرد از محیط، طرز تلقی او، نیازها و انگیزه‌های وی می‌باشند.

انسان می‌کوشد تا با دست زدن به رفتارهای گوناگون در مقابل عوامل بیرونی و درونی، واکنش‌های ارضا کننده از خود نشان دهد. هرگاه دست زدن به عملی برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی کفایت کند فرد مواجه با مسأله نخواهد بود و از این رو دچار تعارض نمی‌شود. اما هرگاه برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی دو عمل متفاوت و متضاد لازم باشد، فرد دچار تعارض و نگرانی خواهد شد و احساس رضایت و نشاط نمی‌کند (الوانی، ۱۳۷۸: ۵۴ - ۵۲).

1. External factors
2. Internal factors

- **نظریه محرومیت نسبی:** براساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم شادکامی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود. (تدگار، ۱۳۷۳)

برای تدوین چارچوب نظری انتخابی تحقیق باید اشاره داشت که شادکامی تعاریف و مفاهیم متعدد فلسفی، اجتماعی و انسانی دارد که به طور کلی ناشی از چگونگی داوری درباره نحوه گذران زندگی است. این نوع داوری از بیرون به فرد تحمیل نمی‌شود، بلکه حالتی است درونی که از هیجانهای مثبت تأثیر می‌پذیرد (مایرز و دینر^۱ ۱۹۹۵). بر این اساس شادکامی بر نگرش و ادراکات شخصی مبتنی است و به حالتی اشارت دارد که مطبوع و دلپذیر است و از تجربه هیجانهای مثبت و خشنودی از زندگی نشأت می‌گیرد (هیلز^۲ و آرچیل، ۲۰۰۱).

طبعاً چنین حالت خوشایندی با فقدان افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و سایر هیجانهای منفی همراه است. شواهد موجود گویای آنند که احساس شادکامی مولد انرژی، شور، حرکت و پویایی است و همچون سپری می‌تواند آدمی را در برابر استرس‌ها و مشکلات محافظت نموده و سلامت جسمی و روانی او را تضمین کند. اگرچه شناسایی عوامل مرتبط با شادکامی کار چندان ساده‌ای نیست، اما مایرز (۱۹۹۳) و مایرز و دینر (۱۹۹۵) تا حدودی این عوامل را در جدول ۱ معرفی کرده‌اند.

1. Myers & Diener
2. Hills

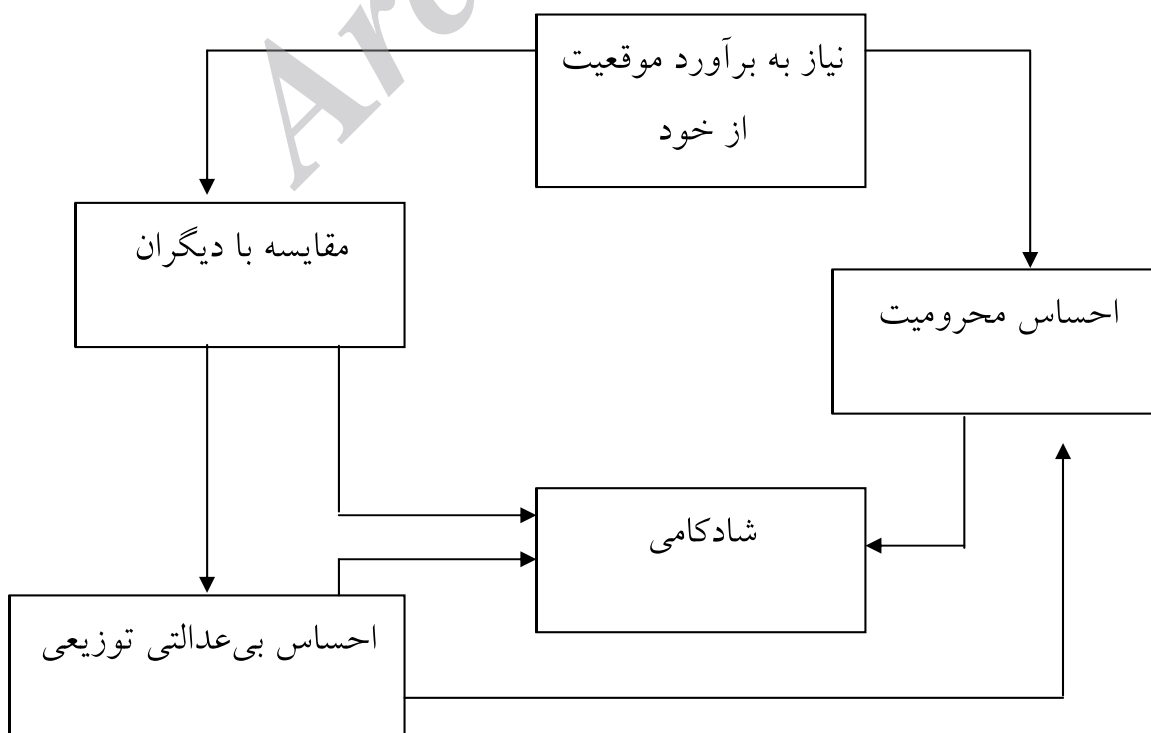
جدول ۱- بررسی ارتباط‌های شادکامی

محققین دریافته‌اند که افراد شادکام گرایش دارند به:	شادکامی تا حدی با عوامل ذیل مرتبط است
<ul style="list-style-type: none"> - داشتن اعتماد به نفس (عزت نفس) بالا - خوشبین بودن و داشتن پیشرفت در زندگی - داشتن دوستان زیاد و ارتباطات گسترده - دارا بودن کار و اوقات فراغتی که در آن مهارت‌ها مورد استفاده واقع شوند. - دارا بودن یک وفاداری معنادار 	<ul style="list-style-type: none"> - سن، جنسیت (زنان غالباً شادکام تر می‌باشند). - وضعیت اقتصادی و اجتماعی - مقایسه با دیگران - ارضاء نیازهای درونی و بیرونی - امید به آینده

(منبع: تلخیص شده از مایرز (۱۹۹۳)، مایرز و دینر (۱۹۹۵) و خوش کنش (۱۳۸۶)، البته با اعمال تغییرات از طرف نگارندگان)

بنابراین به نظر می‌رسد که شادکامی با عوامل گوناگون فردی، تربیتی، اجتماعی و حتی سیاسی و فرهنگی ارتباط داشته باشد. به عبارت دیگر در یک رابطه زنجیره همبستگی می‌توان آن را بدین شکل نشان داد:

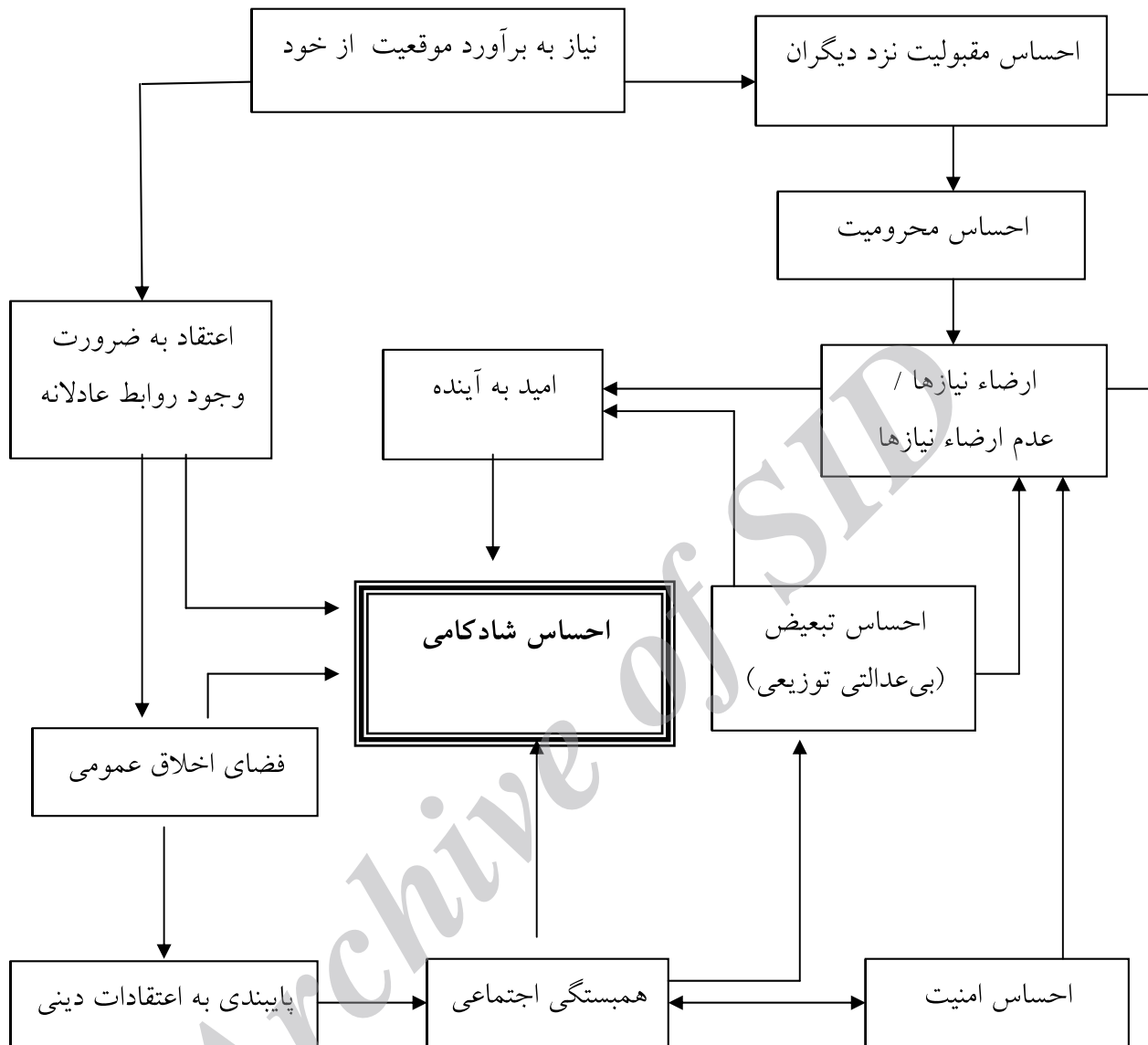
مدل تحلیلی ۱: مدل اولیه عوامل مؤثر بر شادکامی



البته می‌توان این روابط همبستگی را با استفاده از تئوری برابری (بی‌عدالتی توزیعی) کامل کرد، چرا که مقایسه به تنهایی و مستقیماً به محرومیت نسبی نمی‌انجامد، بلکه اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری، پاداش او در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی شده؛ که این خود مقدمه بروز نارضایتی‌های فردی و اجتماعی بوده و در نتیجه باعث عدم شادکامی می‌شود. به عبارت دیگر درک از منصفانه یا غیرمنصفانه بودن روابط، پاداشها و هزینه‌ها، زمینه‌ساز فرایندهای مهمی است (صفدری، ۱۳۷۴).

در حقیقت منصفانه بودن پاداش‌ها نکته مهمی در درک از عدالت در روابط است. این همان نکته‌ای است که مورد تأکید تئوری برابری نیز قرار گرفته است. اما از نظر این تئوری این نکته با اهمیت است که افراد در صورتی در یک مبادله اجتماعی شرکت می‌کنند که فضای اخلاق عمومی سالم باشد و احساس امنیت داشته باشند در صورتی که چنین اعتقادی در میان کنشگران وجود داشته باشد، (تئوری عدالت) بر ارضاء نیازها افزوده می‌شود. از طرف دیگر نیز باید افزود که افراد برای ارضاء نیاز، به ارزیابی شرایط خود در مقایسه با دیگران می‌پردازند و چنانچه این روابط را ناعادلانه بدانند (تئوری برابری) باعث احساس محرومیت نسبی می‌شود (تئوری احساس محرومیت نسبی) که این مقدمه‌ای برای بروز عدم ارضاء نیازها و پایین آمدن شادکامی می‌شود. در نهایت زنجیره روابط همبستگی آن را می‌توان بدین طریق بیان کرد.

مدل تحلیلی ۲: مدل نهایی شناخت عوامل مؤثر بر شادکامی



- تعریف مفاهیم :

متغیر وابسته این تحقیق، شادکامی اجتماعی می باشد که ابتدا به تعریف آن پرداخته و در ادامه به تعریف متغیرهای مستقل می پردازیم:

شادکامی اجتماعی

احساس شادکامی به عواطف و احساسات مثبت فرد و آسایش خاطر او از زندگی مربوط می شود». (آرجیل، ۲۰۰۱: ۸). مطالعات انجام شده نشان می دهد که، شادکامی،

عواطف مثبت، تعادل عاطفی و رضایت خاطر،^۱ عوامل شخصیتی هستند که با هم همبستگی بالایی دارند (آرجیل، ۲۰۰۱: ۱۶).

برای اندازه‌گیری شادکامی روش‌های گوناگونی به کار برده شده است. برخی از ابزارهای پرسشنامه که برای اندازه‌گیری شادکامی به کار می‌روند. عبارتند از: پرسشنامه حالات شخصی^۲ که توسط برنر و مارتین (۱۹۹۵) تهیه شده، پرسشنامه شخصیتی آیزنگ^۳، پرسشنامه شخصیتی نئو^۴ و پرسشنامه شادکامی آکسفورد. در میان این پرسشنامه‌ها پرسشنامه شادکامی آکسفورد جایگاه ویژه‌ای دارد و در چندین پژوهش به کار رفته است. این ابزار در سال ۱۹۸۹ توسط آرجیل و لو تهیه شده است. البته در این تحقیق نیز از پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) الگو گرفته شده ولی سعی شده که سوالات با توجه به فرهنگ جامعه خودمان تهیه شود.

در این پژوهش از گویه‌های ذیل جهت سنجش شادکامی در بین پاسخگویان (براساس طیف لیکرت) استفاده شد:

- ۱- اگر خواسته باشیم وضعیت الان را با ۵ سال پیش مقایسه کنیم احساس سرزندگی و شادکامی در شما بیشتر شده یا کمتر شده است؟ ۲- شما در زندگی تا چه اندازه احساس آرامش می‌کنید؟ ۳- شما تا چه اندازه از پیشامدها و روندهای زندگی خود راضی هستید؟ ۴- فکر می‌کنید که کارها و فعالیت‌های شما تا چه اندازه نتیجه بخش بوده است؟ ۵- شما چه اندازه احساس خوبی از زندگی کردن دارید؟ ۶- شما در خودتان تا چه اندازه انرژی و توان برای انجام کارهای نو و جدید می‌بینید؟ ۷- وقتی رویدادهای گذشته خود را مرور می‌کنید، تا چه اندازه احساس شادی و خوشحالی به شما دست می‌دهد؟ ۸- از نظر روحی و روانی تا چه اندازه خود را سرحال و آماده

1. Satisfaction

3-personal states Questionnaire

4-Eysenk personality Inventory

5-NEO personality Inventory

می بینید؟ ۹- تا چه اندازه به زندگی خود عشق می ورزید؟ ۱۰- در مجموع فکر می کنید تا چه اندازه توانسته اید به آن رضایت و خوشبختی که دوست داشتید، برسید؟

متغیرهای مستقل:

- از خود بیگانگی: یعنی بیگانه شدن افراد با خودشان و یا با دیگران (آبرکرامبی، ۱۳۶۷: ۳۹)، به بیان دیگر از خود بیگانگی به وضعیتی گفته می شود که مردم در آن اختیار خود را درباره دنیای اجتماعی که خود به دست آورده اند، از دست می دهند و در نتیجه آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می یابند (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۲).

می توان تبیین نظری بیگانگی را تلویحاً به معنای تبیین شرایط عینی عدم بهروزی به شمار آورد، چه با وجود تنوع معنای بیگانگی، در نظریه های اجتماعی اساساً به مفهوم احساس دوری و جدایی از خود و دیگران و جامعه و کار و... و به طور کلی به معنای بیگانگی فرد از جنبه اصلی و وجود اجتماعی اش می باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۷۳).

برای سنجش این شاخص از گویه های زیر استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد که براساس طیف ۵ قسمتی لیکرت میزان موافقت خود را با هر یک از گویه ها از خیلی کم تا خیلی زیاد نشان دهند:

۱- این روزها بیان مشکلات به مسئولین فایده ای ندارد، ۲- اوضاع و احوال افراد کم درآمد و فقیر جامعه هر روز بدتر می شود، ۳- انسان بهتر است به فکر زمان حال باشد، معلوم نیست که در آینده چه می شود، ۴- به آینده می توان خوشبین بود، ۵- هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد و با دیگران کاری نداشته باشد.

- همبستگی اجتماعی: همبستگی در فرهنگ علوم اجتماعی این چنین تعریف

شده است: احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان ها بطور کلی و یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنها باشد. (بیرو، ۱۳۷۳)

برای سنجش متغیر بالا از گویه‌های ذیل بر اساس طیف لیکرت استفاده شد:

- ۱- میزان مشارکت در حل مشکلات محله، ۲- مشارکت در راهپیمایی و تظاهرات،
- ۳- مبارزه کردن با اشرار و مزاحمین از طریق کمک به یکدیگر و یا گزارش دادن به پلیس، ۴- برگزاری و شرکت در مراسم‌های دسته جمعی مذهبی و...

فضای مناسب اخلاق عمومی: به معنی رعایت ارزش‌های اخلاقی توسط اعضای

جامعه است. این ارزشها شامل راستگویی و صداقت، وفای به عهد، عدم چاپلوسی، عدم دورویی یا همان یکرنگی، توجه به منافع دیگران، خوشرفتاری و برخورد مهربان با دیگران، احترام به دیگران، انصاف و... می‌شود (محمدی شکیبا، ۱۳۷۵: ۹۱).

برای سنجش متغیر حاضر از گویه‌های ذیل بر طبق طیف لیکرت استفاده شد و از

پاسخگویان خواسته شد که نظر خود را در مورد هر یک از موارد زیر بیان کنند:

- ۱- راستگویی و صداقت، ۲- رعایت انصاف مردم با یکدیگر، ۳- رعایت منافع دیگران، ۴- یکرنگی و عدم دورویی، ۵- وفای به عهد (پابندی به قول و قرار)

- مقبولیت اجتماعی: مقبولیت اجتماعی بیانگر ارزش، احترام و منزلتی است که

برای یک فرد از سوی خانواده و جامعه در نظر گرفته می‌شود (ازکمپ، ۱۳۷۰، ۶۵-۶۱).

برای سنجش این متغیر از گویه‌های ذیل در قالب طیف لیکرت استفاده شد و از

پاسخگویان خواسته شد که با توجه به ارزیابی از وضعیت خود به سوالات پاسخ دهند:

- ۱- شما تا چه اندازه مورد احترام اعضای خانواده و نزدیکان قرار می‌گیرید،
- ۲- اعضای خانواده تا چه اندازه به وجود شما افتخار می‌کنند، ۳- معمولاً تا چه اندازه اعضای خانواده و دیگران در کارهای خود با شما مشورت می‌کنند، ۴- از نظر وضعیت ظاهری (چهره، بدن و...) تا چه اندازه مورد قبول دیگران واقع می‌شوید، ۵- از نظر نوع پوشش تا چه اندازه مورد قبول دیگران واقع می‌شوید؟

- پایگاه اقتصادی - اجتماعی: این متغیر تلفیقی است مرکب از میزان درآمد

خانوار، سطح تحصیلات فرد، رتبه یا نمره منزلت شغلی و میزان دارایی، مایملک و

متعلقات آزمودنی‌ها که نشانگر موقعیتی است که فرد در سلسله مراتب اجتماعی (قشربندی اجتماعی) احراز کرده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳).

در این راستا باید اشاره نمود که در فرایند سنجش مفهوم قشربندی، از شاخص‌هایی استفاده شده است که در نظریات مختلف توسط صاحب‌نظران بدان‌ها پرداخته شده است. شاید کامل‌ترین دیدگاه در این زمینه را بتوان دیدگاه ترکیبی ماکس وبر دانست که در آن از سه ملاک «ثروت، منزلت و قدرت» برای تمیز دادن طبقات و اقشار اجتماعی استفاده می‌شود. این چارچوب همان چیزی است که با اندکی تغییرات در نوشتار حاضر به عنوان معیار قشربندی یا شناخت پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد مورد پذیرش قرار گرفته است. در این تحقیق متغیر پایگاه بواسطه معرفهای زیر عملیاتی شد:

۱- میزان تحصیلات پاسخگو، ۲- میزان تحصیلات همسر، ۳- شغل پاسخگو، ۴- وضعیت منزل مسکونی (شخصی، رهن، استیجاری و...)، ۵- میزان هزینه ماهانه خانوار - **عدالت اجتماعی (توزیعی):** عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می‌کند. لوندال (۱۹۷۶) عدالت توزیعی را از دیدگاه افرادی که عمل تخصیص را انجام می‌دهند مورد بحث قرار داده است. مدل قضاوت عادلانه لوندال، یک نگرش فعالانه‌تری را نسبت به تئوری برابری در نظر می‌گیرد، لوندال بیان می‌دارد که افراد در مورد میزان استحقاق شان با استفاده از چندین قانون (معیار)، قضاوت می‌نمایند. او بیان می‌دارد که اساساً سه قانون عدالت توزیعی وجود دارد که عبارتند از:

الف) قانون کمک؛ ب) قانون تساوی، ج) قانون نیازها (مومنی، ۱۳۸۵: ۱۸).

این متغیر به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی و مورد سنجش قرار خواهد گرفت:

۱. انطباق بین میزان کار و درآمد، ۲- اعتقاد به راحت‌تر بودن زندگی در قیاس با میزان زحمت و تلاش، ۳- اعتقاد به ضرورت برابری بین درآمد در مقایسه با میزان

زحمت و تلاش، ۴- اعتقاد به ضرورت برخورداری از شغل بهتر در مقایسه با میزان زحمت و تلاش

ارضای نیازها: در فرهنگ آکسفورد نیاز اینگونه تعریف شده است: شرایطی که در آن وجود شیئی یا عملی که انسان فاقد آن است، ضرورت پیدا می‌کند. در واقع هر گونه احساس کجروی و نقصان جسمی، روحی و روانی است که فرد را برای جبران یا رفع آن به فعالیت وا می‌دارد. نیاز یک حالت کمبود یا نقصان در موجود زنده است و سائق به انرژی یا تمایل حاصل از نیاز گفته می‌شود (سیف، ۱۳۶۸: ۳۴۰) از این رو باید گفت که نیازهای عاطفی نیز یکی از انواع نیازها می‌باشند که ارضای آن خصوصاً در محیط خانواده در بالا بردن میزان شادکامی بسیار مؤثر است.

متغیر "ارضای نیازهای عاطفی" به وسیله گویه‌های زیر بر اساس طیف ۵ قسمتی لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

۱- میزان تأمین زندگی، ۲- میزان توانایی و تأمین مایحتاج زندگی، ۳- ارضای نیاز تفریحی، ۴- تأمین نیازهای بهداشتی، ۵- فاصله بین نیاز و توانایی در برآورده کردن آن.

احساس محرومیت: در حقیقت این احساس از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد، با آنچه که به دست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می‌کند، بدست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (کوهن، ۱۳۸۳).

این متغیر به وسیله گویه‌های زیر تعریف عملیاتی شده و مورد سنجش قرار گرفته است. بدین صورت که از پاسخگو پرسیده شد وقتی شما در مورد هر یک از موارد زیر خودتان را با دوستان، نزدیکان و آشنایان مقایسه می‌کنید، خودتان را جلوتر یا عقب تر از دیگران ارزیابی می‌کنید و یا این که تفاوتی با آنها ندارید، بدین صورت افرادی که احساس عقب‌تر (پایین تر بودن) داشتند، در واقع احساس محرومیت داشتند.

۱- وضع زندگی، ۲- میزان درآمد، ۳- وضعیت مسکن، ۴- میزان تحصیلات،

۵- ارزیابی از سطح رفاه زندگی در زندگی

پس می‌توان گفت: مقایسه عبارت است از فرایندی ذهنی که طی آن فرد به ارزیابی و تطبیق بین شرایط خود با شرایط و وضعیتی که گروه و یا فرد مورد نظر وی از آن برخوردار است، می‌پردازد.

احساس امنیت اجتماعی: احساس امنیت مستلزم توانایی در حفظ آنچه که شخص دارد و حصول اطمینان از تداوم برخورداری از آن در آینده می‌باشد» (لوتانز، ۱۳۷۲: ۳۲ نقل از صفدری ۱۳۷۴).

این واژه نیز به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی شده است:

۱- تأمین سلامتی، ۲- تأمین اقتصادی (الف). تأمین زندگی ب. کمک دولت به مردم)، ۳- امنیت قضایی، ۴- امنیت اجتماعی از جانب پلیس، ۵- امنیت سیاسی - امید به آینده: امید به عنوان کلید روان درمانی موفق (فرانک^۱، ۱۹۷۵: ۳۸۳-۳۸۵) و اساس نوعی از روان درمانی که معنی درمانی نامیده شده را تشکیل داده است (فرانکل^۲، ۱۹۸۴).

امید به آینده عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت در آینده همراه است و یا به عبارت دیگر ارزیابی مثبت، از آنچه که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد» (کوستانزو و شاو، ۱۹۸۵: ۱۷۰ نقل از صفدری: ۱۳۷۴).

در تحقیق حاضر جهت سنجش امید، سعی شد از پرسشنامه میلر^۳ نیز استفاده شود. بنظر میلر امید اشتقاقی است از مسائل و امور مربوط به دین، فلسفه، روان، امور اجتماعی و بیولوژیکی و یا به دیگر سخن، قلمرو ویژه امید، مروری بر مسائل یاد شده را ایجاب می‌کند. در پژوهش حاضر برای سنجش امید، علاوه بر سوالات ساخت یافته از طرف نگارندگان، از پرسشنامه میلر نیز الگو گرفته شد در نهایت این مفهوم به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی شده است:

1. Frank
2. Frankel
3. Miller

۱- شما تا چه اندازه امید دارید که وضعیت زندگی تان در آینده از وضعیت فعلی بهتر شود؟ ۲- با توجه به روند فعلی کشور، تا چه اندازه احتمال می‌دهید که وضعیت اقتصادی کشور در ۵ سال آینده بهتر شود؟ ۳- تا چه اندازه احتمال می‌دهید که وضعیت زندگی فرزندانان از زندگی شما بهتر شود؟ ۴- در مجموع تا چه اندازه به آینده امیدوار هستید؟

۶- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد که برای اجرای آن از دو روش معمول در تحقیقات روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی به نام‌های روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش پیمایشی سود پرده شد. در روش اسنادی جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق، به مطالعات انجام گرفته شده قبلی و نظریات جامعه‌شناسی و روانشناسی در تحلیل شادکامی اجتماعی مراجعه شد. و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریات مرتبط با موضوع از یک طرف و شناخت وضعیت فعلی جامعه، به تدوین شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق پرداخته و در نهایت با استفاده از گویه‌سازی، پرسشنامه تحقیق ساخته شده است.

- جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش شامل افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی استان مرکزی (اعم از زن و مرد) که در حدود ۷۵۰/۰۰۰ نفر می‌باشند، می‌شود. به لحاظ زمانی این تحقیق در سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۷ اجرا شده است. در مورد حجم نمونه شایان ذکر است که نمونه با توجه به اطلاعات و آمار موجود بر طبق فرمول کوکران ۱۱۰۰ نفر می‌باشد که برای دقت بیشتر و امکان انتخاب حجم نمونه بالاتر در هر یک از شهرستان‌ها ۲۰۰۰ نفر بعنوان افراد نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، بصورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای می‌باشد، یعنی در مرحله اول به روش نمونه‌گیری مطبق (طبقه بندی) و با در نظر گرفتن متغیر پراکندگی جغرافیایی استان، مجموع ۱۰ شهرستان استان در ۱۰ طبقه قرار داده شد و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، شهرهای کوچکتر (نقاط شهری و

مرکز بخش‌ها) انتخاب شدند و در داخل نقاط شهری مراکز دهستان‌ها و روستاها نیز انتخاب شدند. انتخاب افراد در داخل بلوکها هر شهر یا روستا برحسب حجم جمعیت و بزرگی آن بلوک و حجم خانوارهای ساکن در آن بستگی داشت. برای انتخاب حجم نمونه از فرمول عمومی کوکران (که در آن p احتمال وجود صفت و q عدم وجود صفت $0/5$ در نظر گرفته می‌شود) استفاده شد.

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2 + t^2.p.q}$$

$$n = \frac{750000 \times (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)}{750000 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)} = \frac{720300}{674/96} = 1065 \approx 1100$$

$N = 750000$ = تعداد کل جامعه آماری

$t^2 = (1/96)^2$ = (استودنت) وقتی که سطح معنی‌داری آزمون برابر با $0/05$ باشد

$d^2 = (0/03)^2 = 0/009$ = تقریب در برآورد پارامتر مورد مطالعه

$p = (0/5)^2$ = (احتمال وجود شادکامی اجتماعی) احتمال وجود صفت

$q = (0/5)^2$ = (احتمال عدم وجود شادکامی اجتماعی) احتمال عدم وجود صفت

واحد تحلیل و مشاهده: این تحقیق درصدد بررسی میزان و زمینه‌های شادکامی اجتماعی در بین مردم استان است و متغیرها در سطح فرد (پاسخگویان) مورد بررسی و سنجش قرار گرفته شد و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده‌اند. بنابراین واحد تحلیل این پژوهش در گام اول در سطح «فرد» است، واحد مشاهده نیز «فرد» می‌باشد و همچنین ابزار مشاهده به صورت مصاحبه و با استفاده از پرسشنامه ساخت‌یافته می‌باشد.

۱- لازم به توضیح است که به خاطر عدم وجود اطلاعات مورد اعتماد برای برآورد واریانس در فرمول حجم نمونه مقدار p و q را برابر با $0/5$ در نظر گرفتیم، لذا در این صورت با توجه به حجم جامعه آماری، بالاترین حجم نمونه بدست می‌آید.

- نحوه جمع‌آوری داده‌ها: برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از تکنیک‌های مصاحبه (برای مصاحبه با افراد صاحب‌نظر) و پرسشنامه ساخت یافته (با استفاده از طیف لیکرت) استفاده شد.

اعتبار و پایایی تحقیق: در ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات صاحب‌نظران اعتبار صوری^۱ تحقیق بدست آمد. البته قابل ذکر است که با استفاده از تحلیل عاملی^۲، اعتبار سازه^۳ تحقیق نیز بدست آمده و می‌توان نتیجه گرفت: اعتبار میزان انطباق بین تعریف مفهومی با تعریف عملیاتی آنها وجود دارد.

پس از تکمیل^{۳۰} پرسشنامه بعنوان پیش‌آزمون (پری‌تست) از ضریب آلفای کرونباخ برای بدست آوردن میزان پایایی^۴ سازه‌های تحقیق استفاده شده است. بدین ترتیب گویه‌هایی که همبستگی کمتری داشته‌اند، اصلاح شدند یا گویه‌های متناسب دیگری جایگزین آنها شد و در نتیجه در مجموع ضریب پایایی ابزار سنجش به ۰/۷۸ رسید و این میزان آلفای کرونباخ، نشان دهنده همبستگی مناسب بین گویه‌ها برای سنجش متغیرهای تحقیق می‌باشد.

۷- یافته‌های تحقیق

توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که ۴۹ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. اما در مورد وضعیت تأهل نتایج نشان می‌دهد که ۶۵ درصد متأهل و ۳۵ درصد مجرد می‌باشند.

الف - یافته‌های توصیفی

در ذیل به بررسی مقایسه هر یک از متغیرهای تحقیق بر حسب میزان سنجش " از خیلی کم تا خیلی زیاد " پرداخته می‌شود:

1. Face validity
2. Factor analysis
3. Construct validity
4. reliability

اما در ابتدا به بررسی مهمترین متغیر تحقیق یعنی میزان نشاط به تفکیک شهرستان‌های استان پرداخته می‌شود و در ادامه درصد فراوانی سایر متغیرهای مستقل خواهد آمد:

جدول ۲- بررسی درصد فراوانی میزان احساس نشاط در بین پاسخگویان به تفکیک ۱۰ شهرستان

کل استان	شهرستان‌ها										مقولات	میزان نشاط اجتماعی
	اراک	ساوه	مأمونیه	محلات	شازند	خمین	آشتیان	کمیجان	دلیجان	تفرش		
۱۸/۶	۲۲/۶	۲۲/۳	۱۷/۵	۱۶/۷	۱۸	۱۹/۵	۱۸/۵	۲۰/۷	۱۵/۷	۱۵	کم	اجتماعی
۶۱/۷	۶۳/۲	۵۸/۱	۷۰/۸	۶۶/۷	۵۰/۵	۵۴	۶۴/۶	۶۴	۶۹/۳	۶۴/۴	متوسط	
۱۹/۶	۱۴/۲	۱۹/۶	۱۱/۷	۱۶/۷	۳۱/۵	۲۶/۵	۱۶/۹	۱۵/۳	۱۵	۲۰/۶	زیاد	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع	

در مورد میزان شادکامی نتایج نشان می‌دهد که ۱۸/۶ درصد در حد کم و در مقابل ۱۹/۶ درصد زیاد و در این میان ۶۱/۷ درصد در حد متوسط از احساس شادکامی برخوردار هستند. در ادامه میزان هر یک از متغیرهای مستقل در بین افراد جامعه آماری نمایش داده می‌شود.

جدول ۳- مقایسه درصد بدست آمده برای هر یک از متغیرهای تحقیق

ردیف	شاخص‌های تحقیق	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	احساس مقبولیت اجتماعی	۱/۵	۹/۷	۳۶/۹	۴۱/۵	۱۰/۵
		۱۱/۲				۵۲
۲	امید به آینده	۸/۲	۱۴/۵	۵۳/۷	۱۷/۲	۶/۵
		۲۲/۷				۲۳/۷
۳	ارضاء نیازها	۲/۲	۱۳/۷	۵۷/۳	۲۳/۲	۳/۸
		۱۵/۹				۲۷
۴	عدالت اجتماعی	۱۹/۷	۳۱/۹	۳۴/۲	۴/۱	۱۲
		۵۱/۶				۱۶/۱
۵	پایبندی به ارزشهای دینی	۰/۳	۷/۸	۳۹/۵	۴۸/۴	۴
		۸/۱				۵۲/۴

۲/۸	۲۵/۴	۵۱/۱	۹/۲	۱۷	بیگانگی اجتماعی	۶
۲۸/۲			۱۹/۹			
۱۱/۶	۹	۴۸/۳	۱۸/۵	۱۲/۸	مناسب بودن فضای اخلاق عمومی	۷
۲۰/۶			۳۱/۳			
۱۳/۹	۱۴/۲	۴۵/۸	۱۶/۴	۹/۹	همبستگی اجتماعی	۸
۲۸/۴			۲۶/۳			
۰/۴	۱۰/۹	۵۵/۹	۲۸/۹	۴/۱	احساس امنیت اجتماعی	۹
۱۱/۳			۳۳			
موقعیت و وضعیت بهتر از دیگران		عدم تفاوت با دیگران	محروم تر از دیگران		احساس محرومیت اجتماعی	۱۰
۱۴/۲		۶۰/۲	۲۵/۷			

توزیع نتایج حاصل از متغیر «احساس مقبولیت اجتماعی» نشان دهنده این است که بیش از نیمی از پاسخگویان از احساس مقبولیت اجتماعی بالا و ۱۱/۲ درصد از پاسخگویان از احساس مقبولیت اجتماعی پایین و ۳۶/۹ درصد از پاسخگویان از احساس مقبولیت اجتماعی متوسط برخوردار می‌باشند.

- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر «امید به آینده» حاکی از این است که ۲۲/۷ درصد امید کمی به آینده و ۲۳/۷ درصد امید زیاد به آینده و ۵۲/۷ درصد امید متوسطی به آینده و بهبود اوضاع دارند. در واقع انباشتگی بیشتر فراوانی در سطح میانه دلالت بر ابهام و تردید پاسخگویان از چگونگی اوضاع در آینده دارد، به عبارتی برخی شرایط، خوشبینی آنها را افزایش می‌دهد. اما برخی عوامل دیگر منجر به بدبینی می‌شود، همین امر باعث شده است که پاسخگویان در قضاوت نسبت به آینده با ابهام مواجه شده، و مجموع نمراتشان در پاسخ به سئوالات مربوط به این متغیر در میانه طیف متمرکز شود.

- توزیع نمرات پاسخگویان بر حسب متغیر «ارضای نیازها» بر این امر دلالت دارد که ۲۷ درصد پاسخگویان در سطح بالا و ۱۵/۹ درصد در سطح پایین و ۵۷/۳ درصد در سطح متوسط برآورده شدن نیازهایشان را ارزیابی می‌کنند. اجتماع اکثر فراوانی در حد

میان طیف می‌تواند ناشی از این امر باشد که پاسخگویان در برخی از نیازها رضایت بالایی داشته، اما در برخی دیگر سطح رضایت آنها پایین باشد، که در نهایت مجموع نمرات گویه‌های مختلف همدیگر را خنثی کرده و اکثریت پاسخگویان در حد وسط قرار گرفته‌اند.

- توزیع نتایج بدست آمده از بررسی متغیر «عدالت اجتماعی» بیانگر این است ۵۱/۶ درصد میزان عدلت اجتماعی را در جامعه خود در سطح پایین ارزیابی می‌کنند و به عبارتی نابرابری و بی‌عدالتی را زیاد می‌دانند. این در حالی است که فقط ۱۶/۱ درصد وجود عدالت اجتماعی را در حد بالا تأیید کرده‌اند. از سوی دیگر ۳۴/۲ درصد نه بر بی‌عدالتی کامل و نه بر عدالت کامل تأکید دارند، بلکه ارزیابی‌شان از وضعیت عدالت اجتماعی موجود در سطح متوسط قرار دارد. نتایج بدست آمده از این متغیر گویای شرایط بحرانی جامعه از لحاظ عدالت اجتماعی، که یکی از مؤلفه‌های اساسی ثبات اجتماعی است، می‌باشد.

- نتایج بدست آمده از بررسی متغیر «احساس بیگانگی اجتماعی» بیانگر این است که ۲۰ درصد در سطح پایین و ۲۸ درصد در سطح بالا احساس بیگانگی داشته و حدود ۵۲ درصد نیز در وضعیت بینابین بوده و یا به عبارت دیگر گاهی اوقات احساس بیگانگی داشته و گاهی اوقات احساس بیگانگی نداشته‌اند.

- توزیع نتایج حاصل از بررسی متغیر «پایبندی به ارزشهای دینی» در بین جامعه مورد مطالعه دلالت بر این امر دارد که این پایبندی در بین بیش از نیمی از پاسخگویان در سطح بالا قرار دارد، به طوری که ۵۲/۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد به ارزشهای دینی خود پایبند هستند و در مقابل فقط ۸/۱ درصد پاسخگویان پایبندی ضعیف و ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان پایبندی متوسط از خود نشان داده‌اند. استنباط کلی از نتایج بدست آمده بیانگر وجود اعتقاد و پایبندی نسبتاً مطلوب به ارزشهای دینی در جامعه است.

- بررسی نتایج متغیر «مناسب بودن فضای اخلاق عمومی» حاکی از این است که ۳۱/۳ درصد از پاسخگویان فضای اخلاق عمومی را چندان مناسب ندانسته و ۲۰ درصد

از پاسخگویان از وضعیت موجود رضایت داشته و ۴۸/۳ درصد پاسخگویان نیز بر وضعیت متوسط فضای اخلاق عمومی تأکید داشته‌اند. به این معنی که نه آن را کاملاً مطلوب و نه کاملاً نامناسب تلقی می‌کنند. البته این وضعیت با توجه به نسبت بالای کسانی که بر نامناسب بودن فضای اخلاق عمومی تأکید دارند، بیانگر شرایط متوسط رو به پایین جامعه به لحاظ فضای اخلاقی عمومی است.

- نتایج حاصل از ارزیابی پاسخگویان در مورد «همبستگی اجتماعی» نشان می‌دهد که ۳۱/۳ درصد از افراد میزان همبستگی اجتماعی را در حد ضعیف دانسته و ۲۸/۴ درصد نگرش مثبتی نسبت به همبستگی اجتماعی در محیط اطراف خود داشته و آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند و ۴۶ درصد بر این باورند که این همبستگی در سطح متوسطی قرار دارد. به طور کلی از این نتایج می‌توان استنباط کرد که میزان همبستگی اجتماعی چندان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

- بررسی نتایج حاصل از سنجش متغیر «احساس امنیت اجتماعی» بیانگر این است که ۳۳ درصد پاسخگویان احساس امنیت پایینی داشته و ۱۱/۳ درصد پاسخگویان این احساس را در سطح بالا ارزیابی کرده و معتقدند که امنیت اجتماعی زیادی در جامعه وجود دارد و آنها احساس ناامنی نمی‌کنند. اما اکثریت افراد یعنی ۵۶ درصد احساس خود را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند و امنیت اجتماعی را نه در سطح بالا و نه در سطح پایین تایید نمی‌کنند. البته با توجه به نتایج می‌توان گفت که احساس امنیت اجتماعی زیادی در جامعه وجود ندارد و بیشتر پاسخگویان ناامنی اجتماعی را تایید می‌کنند.

- نتایج بدست آمده از سنجش متغیر «احساس محرومیت اجتماعی» نشان می‌دهد که ۲۵/۷ درصد پاسخگویان احساس محرومیت بالایی داشته و ۱۴/۲ درصد وضعیت خود را مطلوب دانسته و خود را در موقعیتی بهتر از دیگران ارزیابی می‌کنند، اما ۶۰/۲ پاسخگویان وضعیت خود را نه بدتر از دیگران و نه بهتر از دیگران می‌دانند و در این زمینه چندان تفاوتی بین خود و دیگران قائل نیستند. به عبارتی می‌توان از این نتایج استنباط نمود که احساس محرومیت اجتماعی چندان زیادی در جامعه وجود ندارد.

ب- نتایج تحلیلی تحقیق:

در این بخش ابتدا به بررسی رابطه همبستگی دوجانبه متغیرها پرداخته می شود.

جدول ۴- بررسی میزان همبستگی هر یک از متغیرهای تحقیق با متغیر "احساس

شادکامی" اجتماعی

رتبه	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (sig)	رتبه	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (sig)
۱	مقبولیت اجتماعی	۰/۵۳۱	۰/۰۰۰	۶	بیگانگی اجتماعی	۰/۰۲۸	۰/۲۰۶
۲	امید به آینده	۰/۵۸۵	۰/۰۰۰	۷	مناسب بودن فضای اخلاق عمومی	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰
۳	ارضاء نیازها	۰/۵۷۵	۰/۰۰۰	۸	همبستگی اجتماعی	۰/۲۷۰	۰/۰۰۰
۴	عدالت اجتماعی	۰/۳۵۱	۰/۰۰۰	۹	احساس امنیت اجتماعی	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰
۵	پایبندی به ارزشها	۰/۲۷۰	۰/۰۰۰	۱۰	عدم احساس محرومیت اجتماعی	۰/۳۲۶	۰/۰۰۰

رابطه همبستگی بین متغیرها حاکی از این است که به غیر از متغیر بیگانگی اجتماعی که رابطه معنی داری با متغیر وابسته ندارد ($\text{sig} = ۰/۲۰۶$)، بقیه متغیرهای مستقل رابطه معنی داری با متغیر وابسته (احساس شادکامی اجتماعی) نشان می دهند و این رابطه در سطح احتمال ۹۹ درصد ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) معنی دار است. نتایج ضریب همبستگی بیانگر

این است که بین مجموع متغیرهای تحقیق با متغیر شادکامی رابطه مثبت برقرار است. به طور کلی می‌توان گفت که متغیرهای مقبولیت اجتماعی، امیدبه آینده، ارضاء نیازها، عدالت اجتماعی، پایبندی به ارزشها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، همبستگی مثبتی با احساس شادکامی اجتماعی دارند، به این معنی که با افزایش در هر یک از واحدهای این متغیرها، احساس شادکامی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

در مورد متغیر احساس محرومیت باید خاطر نشان ساخت که در جدول ۴ متغیر "عدم احساس محرومیت با شادکامی" همبستگی دو جانبه گرفته شده است و نتیجه به صورت مستقیم می‌باشد، اما وجود "احساس محرومیت" دارای رابطه معکوس با شادکامی می‌باشد.

- نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر روی شادکامی اجتماعی

برای انجام تحلیل مسیر بر روی شادکامی اجتماعی تمامی متغیرهای مستقل به برنامه رگرسیونی معرفی شدند. در گام اول از مجموع ۱۱ متغیر معرفی شده به برنامه از طریق روش Stepwise، ۹ متغیر (به خاطر ضریب تأثیر مسیر و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵) به معادله وارد شدند. از این رو به منظور تلفیق نتایج و ساده تر شدن تفسیر و همچنین جلوگیری از اطناب کلام، نمودار تحلیلی بررسی تأثیر متغیرهای تأثیر گذار در سه شکل نشان داده می‌شود: ۱- متغیرهایی که بطور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند (همان نتایج رگرسیون چندگانه)، ۲- متغیرهایی که علاوه بر تأثیر مستقیم، بصورت غیرمستقیم بر روی شادکامی تأثیر دارند و ۳- متغیرهایی که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر روی شادکامی تأثیر دارند.

پس بدین ترتیب می‌توان گفت که تحلیل مسیر علاوه بر این که تأثیرات مستقیم و همزمان متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد، تأثیرات غیرمستقیم را نیز نشان می‌دهد. حال در ادامه به توضیح و تفسیر متغیرهای تأثیرگذار به ترتیب وزن بتا و تأثیرگذاری آنها بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود:

الف- متغیرهایی که بطور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند:

با توجه به نتایج تحلیل مسیر مشخص است که متغیر احساس امید به آینده به عنوان یک متغیر کلیدی و واسطه می‌باشد و از برخی متغیرها تأثیر پذیرفته و بر شادکامی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و از این رو در ادامه به شرح و بسط کوتاهی از مدل تحلیل مسیر می‌پردازیم. بر طبق نتایج، متغیر «امید به آینده» با ضریب تأثیر 0.32 ($Beta_0 = 0.32$) بیشترین تأثیر را بر شادکامی اجتماعی داشته است، بنابراین شادکامی اجتماعی افراد، بیش از همه تابع تغییرات میزان امید به آینده است. یعنی هر چه امید به آینده بالا باشد، میزان شادکامی اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد. البته این متغیر بلافاصله بعد از شادکامی بعنوان متغیر وابسته میانی وارد معادله شده و تأثیر رگرسیونی سایر متغیرها بر روی آن محاسبه شده است.

ب- متغیرهایی که علاوه بر تأثیر مستقیم بصورت غیر مستقیم (با واسطه سایر

متغیرها) بر روی شادکامی اجتماعی تأثیر می‌گذارند:

متغیرهایی که علاوه بر تأثیر مستقیم، بصورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهای وابسته میانی^۱ بر متغیر وابسته نهایی (شادکامی اجتماعی) تأثیر می‌گذارند^۱، عبارتند از:

۱- تحلیل مسیر منظور از متغیرهای وابسته میانی، متغیرهایی می‌باشد که بعد از متغیر نشاط اجتماعی وارد معادله شده‌اند (مثل امید به آینده، احساس مقبولیت نزد دیگران، میزان ارضای نیازها) و تأثیر رگرسیونی سایر متغیرها بر روی آنها محاسبه شده است.

متغیر "احساس مقبولیت نزد دیگران" علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰/۲۸)، با واسطه متغیر امید به آینده (با ضریب ۰/۲۰) تأثیر افزایش بر شادکامی اجتماعی دارد، یعنی هرچه میزان احساس مقبولیت بالا رود، میزان امید به آینده افراد بالا می‌رود و در نتیجه بالا رفتن میزان امید، باعث افزایش شادکامی اجتماعی می‌شود. پس متغیر احساس مقبولیت علاوه بر این که بصورت مستقیم باعث بالا رفتن میزان شادکامی اجتماعی می‌شود، بصورت غیر مستقیم و با واسطه متغیر امید، بالاترین تأثیر را بر روی متغیر شادکامی اجتماعی دارد.

متغیر ارضاء نیازها نیز علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰/۲۵)، به واسطه متغیر امید به آینده (با ضریب ۰/۲۱) تأثیر افزایش بر روی شادکامی اجتماعی دارد، یعنی این متغیر نیز همانند «احساس مقبولیت» باعث افزایش میزان امید به آینده می‌شود و در نتیجه افزایش امید به آینده، باعث بالا رفتن شادکامی اجتماعی می‌شود.

متغیر فضای مناسب اخلاق عمومی نیز از جمله مهمترین متغیرهایی است که علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰/۰۶)، به واسطه امید به آینده (با ضریب ۰/۲۰) تأثیر افزایش بر روی شادکامی اجتماعی دارد، چون که متغیر امید به آینده تأثیر افزایش بر روی شادکامی اجتماعی دارد و فضای مناسب اخلاق عمومی هم باعث افزایش امید به آینده می‌شود، پس تأثیر فضای مناسب اخلاق عمومی در هر دو شکل مستقیم و غیر مستقیم بر روی شادکامی اجتماعی بصورت افزایشی است.

متغیر احساس عدالت توزیعی نیز علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰/۰۷)، بواسطه متغیرهای ارضاء نیاز (با ضریب ۰/۳۶) و امید به آینده (با ضریب ۰/۲۴) تأثیر افزایشی

۱- نگارنده بخاطر جلوگیری از اطباب کلام در تبیین و تحلیل متغیرها از این تکنیک استفاده کرده‌اند، یعنی در ابتدا به ذکر تمامی متغیرهای مستقلی که به صورت مستقیم تأثیرگذار هستند، پرداخته و در ادامه به صورت یکجا به تأثیرات غیرمستقیم و با واسطه متغیرها پرداخته‌اند. با نگاه به نمودار این موضوع بهتر قابل درک است.

بر روی شادکامی اجتماعی دارد، یعنی این متغیر نیز باعث افزایش میزان ارضای نیاز و امید به آینده می‌شود و در نتیجه افزایش این دو متغیر میانی باعث بالا رفتن شادکامی اجتماعی می‌شود.

متغیر پایبندی به معتقدات دینی نیز از جمله متغیرهایی می‌باشد که علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰/۱۲) بواسطه متغیر امید به آینده (با ضریب ۰/۰۸) باعث بالا رفتن شادکامی اجتماعی می‌شود.

ج- متغیرهایی که تنها بصورت غیر مستقیم (با واسطه) بر روی شادکامی اجتماعی تأثیر می‌گذارند:

متغیر عدم احساس محرومیت با واسطه متغیر احساس مقبولیت نزد دیگران (با ضریب ۰/۰۹) تأثیر افزایش بر روی شادکامی اجتماعی دارد. بدین صورت که هر چه احساس محرومیت در بین افراد پایین باشد، بر میزان احساس مقبولیت آنها در نزد دیگران افزوده می‌شود و با بالا رفتن میزان احساس مقبولیت، میزان شادکامی اجتماعی نیز بالا می‌رود. در ضمن متغیر عدم احساس محرومیت با واسطه متغیر ارضاء نیاز (با ضریب ۰/۱۹ بر روی آن) تأثیر افزایش بر روی شادکامی اجتماعی دارد. بدین صورت که هر چه احساس محرومیت کمتر باشد، میزان ارضاء نیازها بیشتر خواهد بود و ارضاء نیازها باعث تقویت شادکامی اجتماعی در جامعه می‌شود.

متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز بواسطه متغیر ارضاء نیاز (با ضریب ۰/۱۰) و احساس مقبولیت در نزد دیگران (با ضریب ۰/۰۹) بر روی شادکامی تأثیر افزایش دارد. بدین صورت که ارضاء نیاز و احساس مقبولیت در نزد دیگران در بین افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر، بیشتر از افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین می‌باشد و با

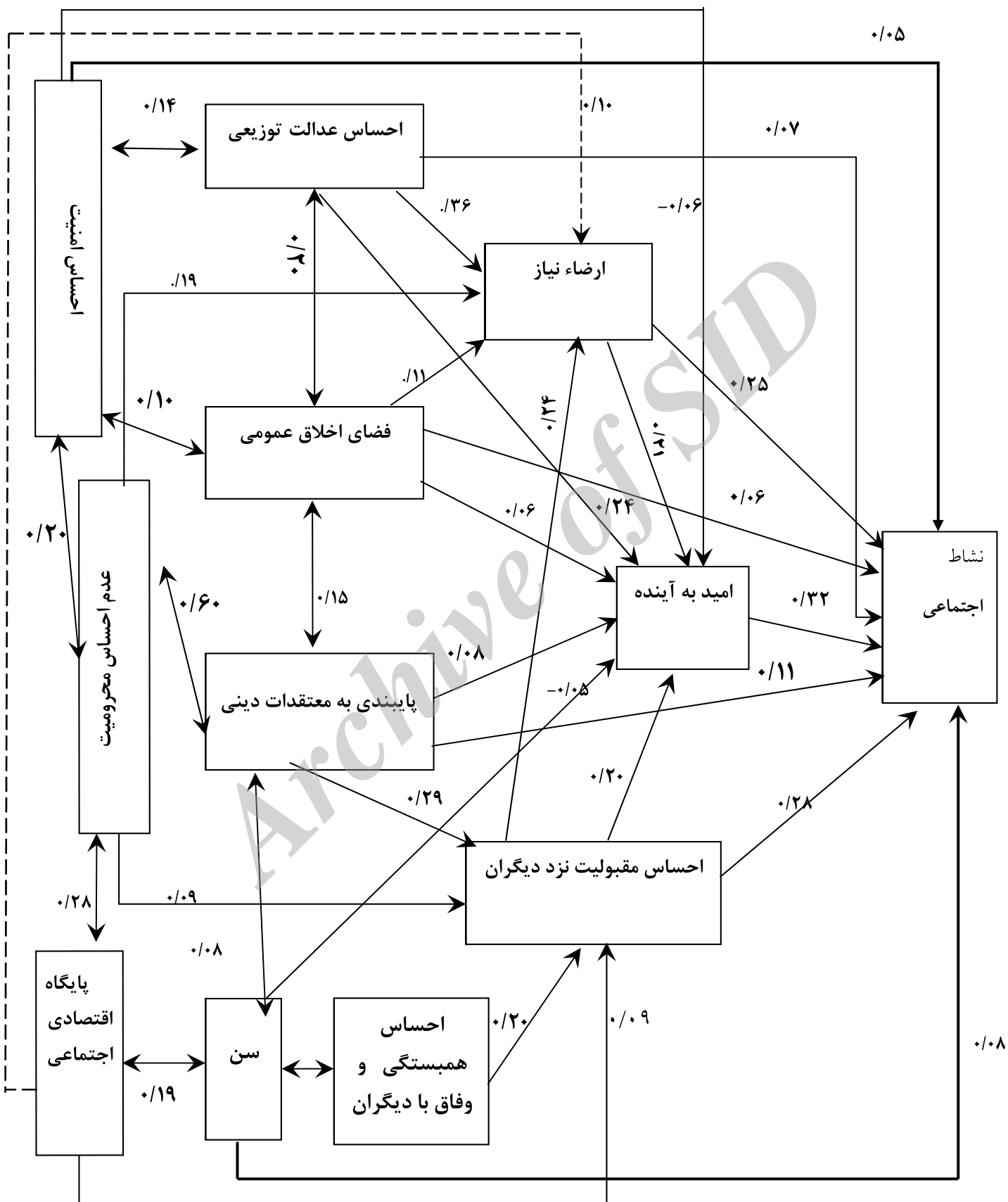
بالا بودن میزان ارضاء نیاز و میزان احساس مقبولیت در نزد دیگران، میزان شادکامی نیز بالا خواهد بود.

متغیر احساس همبستگی و وفاق با دیگران نیز بواسطه متغیر احساس مقبولیت در نزد دیگران (با ضریب ۰/۲۰) بر روی شادکامی تأثیر افزایش داده دارد. بدین صورت که احساس مقبولیت در نزد دیگران در بین افرادی که احساس همبستگی و وفاق اجتماعی بالایی دارند، بیشتر از افرادی می‌باشد که چنین احساسی را ندارند در توضیح باید افزود که با بالا بودن میزان احساس مقبولیت در نزد دیگران، میزان شادکامی نیز بالا خواهد بود

متغیرهای بیرونی^۱ این معادله عبارتند از: «فضای مناسب اخلاق عمومی، پایبندی به معتقدات دینی، احساس همبستگی اجتماعی، عدم احساس محرومیت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس عدالت توزیعی». البته برای این که بدانیم بین این متغیرها با یکدیگر همبستگی وجود دارد یا خیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که مقدار هر یک از این همبستگی‌ها در مدل تحلیل مسیر توسط فلش دو طرفه (↔) نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهایی که برای این تحقیق انتخاب شده‌اند با همدیگر همبستگی بالایی دارند و دارای مبنای تئوریک می‌باشند.

۱- منظور از متغیرهای بیرونی، متغیرهایی هستند که به عنوان متغیر وابسته وارد معادله نشده و تأثیر رگرسیونی سایر متغیرها بر روی آنها محاسبه نشده است.

مدل تحلیلی ۳ - تحلیل مسیر تأثیر عوامل مستقیم و غیرمستقیم بر روی شادکامی اجتماعی



- بحث و نتیجه‌گیری

نبود شادکامی عوارض متعدد روانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را در پی دارد. عدم امید به آینده و کسالت، موجب کناره‌گیری فرد از اجتماع، افسردگی و انزوای اجتماعی می‌شود که این عوامل خود کاهش فعالیت و کارایی را به دنبال دارند. همچنین ناامیدی در بعد فردی موجب از بین رفتن نیرو و اراده لازم برای نیل به اهداف می‌شود. افراد ناامید نسبت به توانایی‌های خود باور نداشته و از آینده تصویری نامطلوب دارند و به همین سبب سرخورده و منفعل می‌شوند.

از آنجا که بخشی از شخصیت افراد غیر قابل تغییر بوده و ناشی از مسائل ژنتیکی می‌باشد و بخشی از شخصیت افراد ناشی از شرایط خانواده و اجتماع می‌باشد، می‌توان بر شخصیت افراد تأثیر گذاشت، و بر احساس شادی و شادکامی او افزود. در خصوص بالا بردن میزان شادکامی اجتماعی لازم است که فعالیت‌های متنوعی در حوزه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی صورت گیرد، که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

بدین ترتیب با توجه به یافته‌های تحقیق موارد زیر را به ترتیب از بعد فردی روانشناختی تا بعد کلان اقتصادی و اجتماعی می‌توان مطرح نمود:

- توجه خانواده‌ها و خصوصاً والدین به مسائل و نیازهای روحی و عاطفی فرزندان

بر اساس نتایج پژوهش، یکی از متغیرهایی که تأثیر فوق‌العاده بر احساس شادکامی در بین نوجوانان و جوانان دارد، میزان ارضای نیازهای عاطفی در خانواده می‌باشد. والدین باید به این امر توجه داشته باشند که فقط نباید به فکر نیازهای فیزیولوژیک بچه‌های خود (مثل غذا، خوراک، پوشاک، مسکن و...) باشند، بلکه آنها باید به مسائل نرم‌افزاری (عاطفی) بچه‌های خود توجه ویژه داشته باشند و روزانه و یا هفتگی ساعاتی را برای صحبت و مشورت با فرزندان اختصاص دهند. (در بین فرزندان خانواده‌هایی که والدین آنها درگیری و مشغله کاری فراوان داشتند و یا این که به امور غیر تغذیه‌ای و

اقتصادی جوانان اهمیت نمی‌دادند، ما شاهد احساس شادکامی کمتر در بین اعضای خانواده و به ویژه جوانان بودیم) پس می‌توان نتیجه گرفت که همه مشکلات صرفاً اقتصادی نبوده، بلکه ارتباط نزدیک اعضای خانواده با یکدیگر و تعامل آنها موجب احساس تعلق بیشتر فرزندان به خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود که در نهایت احساس شادکامی را افزایش می‌دهد.

اگر با نگاه جامعه‌شناسانه به موضوع بنگریم به این نتیجه خواهیم رسید که ریشه اصلی یأس و ناامیدی در میان افراد تغییر و دگرگونی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که از بنیان خانواده سرچشمه می‌گیرد، چرا که پایه اصلی شخصیت افراد در درون خانواده‌ها شکل می‌گیرد. هرچند که مسائلی چون، اقتصاد، تورم، بیکاری، و... می‌تواند بر روی نگرش افراد و خانواده‌ها تأثیر بسزایی بگذارد، اما نباید از عامل کم‌رنگ شدن ارزش‌های اصیل فرهنگی و اعتقادی غافل شد.

– برنامه‌ریزی در جهت شادکامی مردم و اجرای برنامه‌های شاد و مفرح اجتماعی توسط نهادهای ذیربط

مطالعات انجام شده درباره احساس شادکامی و خوشبختی، نشان می‌دهد که شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در بوجود آوردن احساس شادی افراد تأثیر بسزایی دارد. فوردیس (۲۰۰۰) بیش از ۳۰ مورد پژوهش را ذکر کرده است که نتایج آنها مؤید این ادعاست. بنابراین برگزاری برنامه‌های شاد اجتماعی مانند برگزاری اردو، جشن، نمایش مسابقات ورزشی در فرهنگسراها، مدارس، شهرداری‌ها، باشگاه‌های ورزشی و غیره می‌تواند باعث شود افراد جامعه بیشتر از زندگی خود لذت ببرند و احساس شادی کنند.

– فراهم آوردن امکانات ورزشی در شهرستانهای مختلف استان

ضعف امکانات تفریحی بطور اعم و امکانات ورزشی بطور اخص، همواره زمینه‌ساز پیامدها و تبعات منفی خواهد بود، چرا که نبود و یا ضعف چنین امکاناتی، موجب آن خواهد شد تا برخی از نوجوانان و جوانان بیشتر زمان فراغت خویش را بجای

فعالیت‌های مناسب به لحاظ اجتماعی صرف فعالیت‌های غیرسازنده همچون: پرسه‌زدن در خیابانها نمایند که این امر ثمر چندانی در رشد و بالندگی فرد و در نهایت جامعه نخواهد داشت. پس بر طبق این نتیجه، می‌توان گفت که فراهم کردن امکانات ورزشی در محلات، مدارس، دانشگاهها و سایر اماکن عمومی یکی از عوامل مهم در گذران اوقات فراغت تمام نوجوانان و جوانان (بطور اخص) و همه افراد جامعه (به صورت اعم) است و مسئولین مربوطه باید به این مهم، توجه جدی داشته باشند.

– اصلاح باورهای فرهنگی در مورد شادی کردن جوانان و زنان

در فرهنگ ما، بسیاری از مردم شاد بودن و شادی کردن را (علی‌الخصوص برای زنان) امری ناپسند و به عبارت دیگر سرخوشی می‌دانند، به نظر می‌رسد که برخی باورهای سنتی به این امر دامن می‌زند، مثلاً در فرهنگ ما ضرب‌المثل‌هایی مانند «خنده بی‌جا، گریه می‌آورد» (بر خلاف این بیت بی‌نظیر حضرت مولانا که می‌فرماید: در پس هر گریه آخر خنده‌ای است / مرد آخر بین مبارک بنده‌ای است) وجود دارد که غمگین بودن را تشویق و شاد بودن را نکوهش می‌کند. در حقیقت به اعتقاد عده‌ای از افراد جامعه، شادی یک ضد ارزش محسوب می‌شود. (حقانی، ۱۳۷۹). از این رو لازم است که فضای مناسب و مثبت در جامعه برای احساس شادی در بین جوانان بوجود آید.

– رعایت عدالت توزیعی از سوی مسئولین و آگاه شدن مردم به حقوق شهروندی خود

دولت و مسئولین با بهره‌گیری حداکثری و بهینه از امکانات موجود، می‌توانند با اشتغال‌زایی، کاهش اختلاف طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی از مشکلات اقتصادی مردم بکاهند و در نتیجه بر احساس شادکامی اجتماعی بیفزایند

– تلاش مسئولین مربوطه در بالا بردن احساس امنیت روانی و اجتماعی در

بین مردم

از این رو باید خاطر نشان ساخت که امنیت دارای ابعاد متفاوتی می‌باشد و لازم است که مردم از کمترین‌های امنیت در حوزه جانی، مالی و آزادی بیان برخوردار باشند و اما جدا از مسائل فعلی امنیت، اطمینان داشتن از توانایی تأمین زندگی در سالهای پیری و از کارافتادگی، اطمینان داشتن از این که فرد می‌تواند در موقع بیماری از امکانات پزشکی و درمانی مطلوب بهره‌مند شود، از جمله مسائلی هستند که زمینه امنیت روانی افراد را فراهم می‌کنند. در مجموع عملکرد بهینه سازمانهای انتظامی، رفاهی و تأمین اجتماعی می‌تواند در تأمین امنیت روانی افراد جامعه نقش مهمی ایفا کند.

منابع

- آقازاده، آرش. (۱۳۸۳)، شور و شادکامی جوانان برای دستیابی به هویت ملی است، روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۷/۱.
- ازکمپ، استوارت. (۱۳۷۰) روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه: فرهاد ماهر، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۸)، نظریه برابری، مجموعه مقالات رفتار سازمانی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، انتشارات امیرکبیر.
- خوش کنش، ابوالقاسم. (۱۳۸۶)، روابط ساده و چند گانه پیشایندهای شخصیتی، شناختی، مذهبی با احساس شادکامی و تاثیر این متغیر بر عملکرد تحصیلی و سلامت روانی، پایان نامه دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز

- طباطبایی، ریحانه. (۱۳۸۲)، جوانان خونگرم ایرانی خوشبختی را در سرزمین ما جستجو می‌کنند.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۸)، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ پنجم.
- صفدری، سلمان. (۱۳۷۴)، رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی، دانشگده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی.
- کوهن، توماس. (۱۳۸۳) ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه: عباس طلاهری، تهران: نشر قصه.
- گودرزی، محسن. (۱۳۷۸)، رضایت از زندگی، کتاب تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش.
- مازلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی، نامه پژوهش، شماره ۱ مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- محمدی شکیبیا، عباس. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان اعتماد دانشجویان به اشغال‌کنندگان پایگاههای اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- ورسلی، پترز. (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه: حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ اول.
- صفری شالی، رضا. (۱۳۸۰ و ۱۳۸۳)، بررسی رضایت و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهرانی، مؤسسه فرهنگی خرد و جامعه.

–Argyle M. (2001). **The Psychology of Happiness**. London. Routledge .

–Chaloupka & Risser R. (2003). **State of the art public report of work package**, No.1 <http://www.factum.at/hotel/download/State-of-the-Art.pdf>.

–Dorling D. & Ward N. (2003). **Social Science Public Policy and Search for happiness**.

–Fletcher. Ronald. (1956). **“Human needs and social order”** Michal Joseph London

–Fordyce M.W. (2000). **Human Happiness**.

–Frankel, V.E. (1984). **Man`s search for meaning: An introduction to logo therapy** (I. Lach & G. W. Allport, Trans.) New York: pocket Books.

–Frank, J (1975). **The role of hope in psychotherapy**. International Journal of psychiatry.

–Goodman L. (2002). **What is happiness? Cosmic Link Magazine** (www.Cosmiclink.Org.)

–Heylighen f. (1999). **Happiness**.

<http://pespmc1.vub.ac.be/Happiness.html>.

–Mendoza M.G ,V.Napoli. (1995). **“systems of society”** mami-dad community colley. Sixth edition.

–Myers D.G. (2000). **Research based Suggestions for a happier life**. <http://www.davidmyers.org/happiness/research/html>.

Myers, D. and Diener, L. (1996). **The pursuit of happiness**. Scientific American, 274(May):45

-Seligman ,E.P. (2003). Happiness: **The three traditional theories.**
<http://www.authentic happiness. Org/news/news6. html>.

-Skousen ,M. (2002). **The four Sources of Happiness: Is Money one of them?** <http://www.fee.org/vnews. php?nid = 5137 & printable = y>

-Sprott J.C. (2005). **Dynamical Models of Happiness.** Nonlinear Dynamics ,Psychology ,and Life Sciences.

-Veenhoven ,Ruut ,Questions on happiness : Classical topic ,modern Answers ,blind spots. www.eur.nl/fsw/research/veenboven

Archive of SID